

دستور زبان فارسی ۱

ویرایش چهارم

حسن احمدی گبوی
حسن انوری



فهرست

۱۱		
۱۲		
۱۳		
۱۴		
۱۵		
۱۶		
۱۷		
۱۸		
۱۹		
۲۰		
۲۱		
۲۲		
۲۳		
۲۴		
۲۵		
۲۶		
۲۷		
۲۸		
۲۹		
۳۰		
۳۱		
۳۲		
۳۳		
۳۴		
۳۵		
۳۶		
۳۷		
۳۸		
۳۹		
۴۰		
۴۱		
۴۲		
۴۳		
۴۴		
۴۵		
۴۶		
۴۷		
۴۸		
۴۹		
۵۰		
۵۱		
۵۲		
۵۳		
۵۴		
۵۵		
۵۶		
۵۷		
۵۸		
۵۹		
۶۰		
۶۱		
۶۲		
۶۳		
۶۴		
۶۵		
۶۶		
۶۷		
۶۸		
۶۹		
۷۰		
۷۱		
۷۲		
۷۳		
۷۴		
۷۵		
۷۶		
۷۷		
۷۸		
۷۹		
۸۰		
۸۱		
۸۲		
۸۳		
۸۴		
۸۵		
۸۶		
۸۷		
۸۸		
۸۹		
۹۰		
۹۱		
۹۲		
۹۳		
۹۴		
۹۵		
۹۶		
۹۷		
۹۸		
۹۹		
۱۰۰		

۱۱۴	۲- صفت بیانی (۲)	۴۱	۱۱- فعل‌های مضارع، آینده (مستقبل)
۱۱۸	۳- صفت‌های اشاره، شمارشی، پرسشی، تعجبی، مبهم	۴۶	۱۲- فعل امر، فعل دعا
۱۲۲	۴- ساختمان و جای صفت (ساده، مرکب، گروه وصفی)	۴۷	۱۳- فعل ناگذر (لازم)، گذرا (متعدی)- دووجهی
۱۲۳	۵- صفت جامد - صفت مشتق	۵۱	۱۴- فعل معلوم، فعل مجهول
۱۲۳	۶- صفت پسین - صفت پیشین	۵۳	۱۵- فعل تام و اسنادی (ربطی)، فعل کامل و ناقص
۱۲۵	۷- کاربرد صفت‌ها (۱)	۵۵	۱۶- وجه فعل
۱۳۰	۸- کاربرد صفت‌ها (۲)	۵۶	۱۷- فعل وصفی
۱۳۷	بخش پنجم: ضمیر	۵۸	۱۸- چند نکته‌ی دیگر
۱۳۸	۱- کلیات، ضمیر شخصی	۶۱	بخش سوم: اسم
۱۴۱	۲- ضمیرهای مشترک، اشاره، پرسشی، تعجبی	۶۲	۱- تعریف، جامد و مشتق
۱۴۳	۳- ضمیرهای مبهم	۶۳	۲- خاص و عام
۱۴۵	۴- کاربرد و نقش ضمیرها (۱)	۶۴	۳- شناس و ناشناس (معرفه و نکره)
۱۴۸	۵- کاربرد و نقش ضمیرها (۲)	۶۷	۴- مفرد و جمع، اسم جمع
۱۵۰	۶- کاربرد و نقش ضمیرها (۳)	۷۰	۵- جمع‌های عربی در فارسی
۱۵۳	۷- کاربرد و نقش ضمیرها (۴)	۷۴	۶- ساده و مرکب
۱۵۹	بخش ششم: قید	۷۶	۷- ذات و معنی
۱۶۰	۱- کلیات	۷۷	۸- نام آوا (اسم صوت)، اسم مصغر
۱۶۲	۲- قید مختص، قید مشترک	۷۹	۹- مصدر، اسم مصدر
۱۶۴	۳- قید ساده، قید مرکب	۸۳	۱۰- مترادف، متشابه، متضاد
۱۶۵	۴- قیدهای نشانه‌دار، قیدهای بی‌نشانه	۸۵	۱۱- نقش‌ها، نقش نهادی
۱۶۵	۵- اقسام قید از جهت معنی	۸۸	۱۲- مطابقت فعل با نهاد
۱۶۷	۶- شناخت قید در جمله	۹۱	۱۳- نقش مسندی، مفعولی، متممی
۱۶۹	بخش هفتم: شبه‌جمله (صوت)	۹۴	۱۴- نقش منادایی
۱۷۰	تعریف، اقسام	۹۵	۱۵- نقش تمیزی، قیدی، وصفی
۱۷۳	بخش هشتم: نقش‌نما (حرف)	۹۸	۱۶- نقش مضاف الیهی
۱۷۴	۱- کلیات، حرف ربط (پیوند)	۱۰۴	۱۷- نقش بدلی
۱۷۶	۲- معنی و کاربرد حرف‌های ربط ساده	۱۰۵	۱۸- نقش عطفی (معطوف)
۱۷۹	۳- حرف اضافه	۱۰۵	۱۹- نقش تکرار
۱۸۴	۴- حرف نشانه	۱۰۹	بخش چهارم: صفت
		۱۱۰	۱- کلیات، صفت بیانی (۱)

یادداشت ویرایش چهارم

اخيراً در کتاب‌های فارسی و دستور دوره دبیرستان تغییراتی داده شده و مطالبی از کتب زبان‌شناسی بر آنها افزوده‌اند، در ویرایش چهارم سعی شده است این تغییرات و مطالب تازه در این ویرایش نیز وارد شود و کتاب با کتاب‌های درسی بیشتر هماهنگ گردد.

مؤلفان

تابستان ۱۳۹۰

یادداشت ویرایش سوم

در این ویرایش سعی شده است، نظراتی که اخیراً از سوی دبیران و استادان اظهار شده است در کتاب اعمال شود، نیز با تغییرات کتاب‌های درسی دوره دبیرستان هماهنگ گردد. سپاس می‌داریم از همه‌ی کسانی که با نقد و اظهار نظر خود، ما را یاری کرده‌اند.

مؤلفان

تابستان ۱۳۸۵

یادداشت ویرایش دوم

وقتی که یازده سال پیش، این کتاب را به چاپ می‌سپردیم، هرگز گمان نمی‌بردیم که تا این حد در پیشگاه دستداران زبان فارسی و دانش‌آموزان دبیرستان‌ها و دبیران در منصفی قبول و پسند نشیند و در مدت کوتاهی پانزده بار تجدید چاپ شود و به کلاس‌های زبان فارسی در دیگر کشورها راه یابد. ما از این خدمت ناچیزی که انجام داده‌ایم مسروریم و سپاس می‌داریم هم از همه‌ی کسانی که آن را پسندیده و در معرفی و انتشار آن کوشیده‌اند و هم از کسانی که ما را به لغزش‌های کتاب متوجه ساخته‌اند و نکته‌های بسیاری را یادآوری کرده‌اند. ما همه‌ی آن یادآوری‌ها را با توجهی درخور و با دیدی حق‌شناسانه بررسی کردیم و آنچه را لازم بود به صلاح آوردیم نیز مطالب جدیدی به کتاب افزودیم و آنچه را زاید به نظر می‌رسید کاستیم. اینک ویرایش دوم کتاب با تجدیدنظر، چاپ و منتشر می‌شود. امیدواریم همچنان با اقبال دستداران زبان فارسی روبرو گردد و باز هم هر نکته‌ای به نظر می‌رسد، به مؤلفان یادآوری فرمایند. نیز بایسته است گفته شود که علاقه‌ی اولیای مؤسسه انتشارات فاطمی، به‌ویژه آقای ایرج ضرغام را به چاپ و نشر و نیز به ویرایش دوم کتاب، ارج می‌نهیم و از همه‌ی آنان سپاسگزاریم. بهروزی و نیک‌فرجامی بهره‌ی همه‌ی دستداران زبان فارسی باد.

مؤلفان

تابستان ۱۳۷۴

۱- جمله‌ها، کلمه‌ها

جمله، مجموعه‌ای از کلمه‌هاست که اندیشه‌ها، خواست‌ها و عواطف ما را نشان می‌دهد؛ ما به وسیله‌ی جمله‌هاست که سخن می‌گوییم.

آنچه در قالب جمله بیان می‌کنیم، در ساده‌ترین صورت خود، ارتباطی است که میان دو امر برقرار می‌کنیم. مثلاً وقتی که می‌خواهیم میان عمل «نوشتن» و کسی که اسمش «علی» است ارتباطی برقرار کنیم، یعنی عمل «نوشتن» را به او نسبت دهیم، می‌گوییم:

علی می‌نویسد.

همچنین وقتی که عمل «شکستن» را به «شیشه» نسبت می‌دهیم، می‌گوییم:

شیشه شکست.

هر کدام از این‌ها یک جمله است. چنانکه گفتیم جمله مجموعه‌ای از کلمه‌هاست. در هر زبانی کلمه‌ها را به انواعی تقسیم می‌کنند. در زبان فارسی هفت نوع کلمه وجود دارد:

فعل، اسم، ضمیر، صفت، قید، حرف و شبه‌جمله (صوت).

چرا کلمه‌ها به هفت نوع تقسیم شده است؟ پاسخ این پرسش را در سطرهای آینده می‌خوانیم. در جمله عمل یا حالت و صفتی نسبت داده می‌شود. این نسبت با کلمه‌ای انجام می‌گیرد که معمولاً در آخر جمله جای دارد. عمل یا حالت و صفت به کسی یا چیزی نسبت داده می‌شود که در آغاز جمله جای می‌گیرد. در زبان فارسی، اغلب جمله‌ها در ساده‌ترین صورت خود چنین وضعی دارند. به جمله‌های زیر توجه کنید:

۲	۱
می‌نویسد	علی
شکست	شیشه
خندید	کودک
می‌روید	گیاه
بافته شد	فرش

در این جمله‌ها دو دسته کلمه وجود دارد:

دسته‌ی اول کلمه‌هایی است که در ستون ۱ قرار دارد، به این کلمه‌ها چیزهایی نسبت داده شده. دسته‌ی دوم کلمه‌هایی است که در ستون ۲ قرار دارد. این کلمه‌ها به دسته‌ی اول نسبت داده شده‌اند. دسته‌ی اول گروهی از کلمه‌ها را تشکیل می‌دهند که به آن‌ها اسم می‌گوییم. دسته‌ی دوم گروهی دیگر را تشکیل می‌دهند که آن‌ها را فعل می‌نامیم.

اسم، کلمه‌ای است که می‌توان آن را جمع بست و برای نامیدن کسی یا چیزی به‌کار می‌رود و می‌توان امری را به آن نسبت داد.

فعل، کلمه‌ای است که انجام گرفتن یا انجام پذیرفتن کاری یا داشتن و یا پذیرفتن حالتی را در زمان گذشته یا حال یا آینده بیان می‌کند و نیز بر شخص، مفرد و جمع، و زمان دلالت دارد.

بعضی از فعل‌ها معنی کاملی ندارند و نمی‌توان آن‌ها را به اسم نسبت داد، بلکه به وسیله‌ی آن‌ها چیزی به اسم نسبت داده می‌شود، مانند «است» و «شده‌اند» در جمله‌های زیر:

هواگرم است.

درخت‌ها سبز شده‌اند.

این‌گونه فعل‌ها را فعل اسنادی یا فعل ربطی می‌گویند.

در جمله‌ی «علی می‌نویسد» می‌توانیم به جای «علی» کلمه‌ای بگذاریم که جانشین «علی» باشد، و مثلاً چنین بگوییم:

او می‌نویسد.

و به جای «درخت‌ها سبز شده‌اند» در جایی که با دست به درخت‌ها اشاره می‌کنیم، چنین بگوییم:

آن‌ها سبز شده‌اند.

«او» و «آن‌ها» در این جمله‌ها به جای اسم نشسته‌اند و از آن، جانشینی کرده‌اند. با آوردن این دو کلمه، دیگر خود اسم‌ها را نیاورده‌ایم. «او» و «آن‌ها» و کلمه‌هایی مانند آن‌ها را که جانشین اسم می‌شوند ضمیر می‌نامیم.

می‌توانیم وابسته‌هایی برای اسم بیاوریم و خصوصیت‌هایی با آن‌ها به اسم نسبت دهیم. مثلاً در جمله‌ی «کودک خندید» می‌توانیم کلمه‌ی «زیبا» را وابسته‌ی «کودک» قرار دهیم و چنین بگوییم:

کودک زیبا خندید.

همچنین در جمله‌ی «شیشه شکست» می‌توانیم کلمه‌ی «نازک» را به «شیشه» وابسته بسازیم و چنین بگوییم:

شیشه‌ی نازک شکست.

کلمه‌های «زیبا» و «نازک» نوع دیگری از کلمه‌ها هستند. این قبیل کلمه‌ها را صفت می‌گویند. صفت کلمه‌ای است وابسته به اسم.

در جمله‌ی «علی می‌نویسد» می‌توانیم وابسته‌ای برای فعل بیاوریم و مثلاً بگوییم:

علی تند می‌نویسد.

«تند» وابسته به فعل است و نشان می‌دهد که عمل «نوشتن» به تندی صورت گرفته است. «تند» در اینجا نوع دیگری از کلمه‌هاست که به آن‌ها قید می‌گوییم. قید خصوصیتی به مفهوم فعل می‌افزاید و